

درنگی بر چند قطعه منسوب به رودکی سمرقندی

دکتر زهرا نصیری شیراز *

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

سجاد دهقان **

دکتر نصرالله امامی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

در این پژوهش، نگارندگان درباره برخی از این سروده‌های رودکی، که در بخش ابیات پیوسته دیوانهای چاپی به عنوان قطعه یا پیکره شعری مستقلی از شاعر ثبت شده، کندوکاو کرده‌اند. این سروده‌ها هر کدام دو ایراد جدی دارد: ایراد نخست «نبود پیوستگی مطلوب ابیات» و دوم تردید جدی در «انتساب» یک یا چند مورد از آنها به رودکی است. منشأ ورود این سروده‌ها در دیوانهای چاپی موجود، کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، اثر گرانقدر استاد سعید نفیسی است. این مصحح با مراجعه به منابع لغوی، بلاغی، جُنگها، سفینه‌ها و دیگر سرچشمه‌های متقدم و متأخر، ابیات پراکنده‌ای را که از نظر وزن و قافیه با یکدیگر هماهنگ بوده، به این دلیل که مربوط به یک شعر بلند یا کوتاه از رودکی است، به دنبال هم نقل کرده و یک سروده واحد را به وجود آورده است؛ حال اینکه بسیاری از این سروده‌ها از نظر مضمون با یکدیگر در ارتباط نیست، با وجود این، نگارندگان با بررسی دوباره منابع مورد استفاده استاد و استمداد از برخی منابع جدید با دلایلی علمی این دو ایراد را در برخی سروده‌های موجود بررسی و دریافتهای تازه‌ای را ارائه کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ابیات پراکنده رودکی، نقد دیوانهای رودکی، شعر فارسی قرن چهارم، تصحیح شعر فارسی کلاسیک

۱. مقدمه

آدم‌الشعرا ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی، یکی از سخنوران پیشگام پارسی‌زبان است که امروزه شعر وی پس از گذشت هزار و اندی سال از وفاتش، همچنان تازه است. سادگی و پرمغزی اغلب ابیات و سروده‌های این شاعر در نگاه ادبی حائز ویژگی سهل و ممتنع است.

شمار اشعاری که امروزه از رودکی به دست ما رسیده، هرچند اندک و بسیار ناچیز است، همین مقدار اندک، گویای مهارت فراوان وی در شاعری و ساده‌گویی اوست. فارغ از اشعار مدحی و سروده‌های درباری، مضمون غالب در شعرهای رودکی، حکیمانه و شامل بر پند و اندرز است. به همین دلیل از دیرباز شاعران، مورخان، تذکره‌نویسان و... برای وی القابی چون حکیم و استاد برگزیده‌اند.

قراین و شواهد حاکی است که رودکی بجز دیوان بزرگ شعر، سراینده چند مثنوی نیز بوده که مهمترین آنها دو مثنوی کلیله و دمنه و سندبادنامه منظوم است. (برای تفصیل بیشتر درباره آثار رودکی، ر.ک: طاهر جان اف، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۷۵). در چند سده اخیر، پژوهشگران در شرق و غرب عالم تلاش مضاعفی برای جمع‌آوری اشعار رودکی و یافتن مثنویهای وی کرده‌اند؛ اما هر بار تلاش آنان برای به دست آوردن اثری کامل از وی بی نتیجه مانده و جز ابیاتی پراکنده از درون متون و سرچشمه‌های کهن، چیزی به دست آنان نرسیده است. (برای مطالعه بیشتر درباره نخستین گردآورندگان شعر رودکی، ر.ک: احمداف، ۱۳۹۳: ۲).

یکی از دلایلی که لازم است با توجه به آن در بازیابی و تصحیح آثار گذشتگان بازنگری نظر کرد، ایرادات جدی در روش تصحیح یا ضبط ابیات است که هنوز با توجه به گذشت چند دهه از انقلاب علمی در بازیابی متون ادبی، این ایرادات برطرف نشده است. امروزه با توجه به افزون شدن برخی ظرفیتهای تازه، همانند کار با ابزارهای رایانه‌ای، موتورهای جستجوگر و ...، هم‌چنین خریداری نسخه‌های خطی تازه یا فهرست‌نویسی تازه برخی از آنها در کتابخانه‌های سراسر جهان، این امکان برای پژوهشگران فراهم شده است تا با توجه به روشهای پژوهشی نوین و دریافت شواهد و نکات تازه در تصحیح و بازیابی آثار گذشتگان دریافتهای تازه علمی‌تر و دقیقتری را ارائه کنند.

در ایران بازیابی و تصحیح آثار گذشتگان به صورت علمی و تحقیقی در سده اخیر شروع شده است. در آغاز گاه مصححان با کمترین منابع و امکانات به کارهای بزرگی دست زده و بسیاری از آثار فاخر ایران زمین را از زوال و نابودی نجات داده‌اند. در این بین گاهی به دلیل همین امکانات کم، انبوهی متون تصحیح نشده و یا روش نادرست تصحیح و بازیابی آثار گذشتگان، ایرادهایی جدی به متون ادبی وارد شده است که البته جای شکوه و گلایه‌ای در بروز این اتفاق نیست. از نظر ما ایراد جدی به آثاری وارد است که در سالهای اخیر تصحیح و منتشر شده‌است؛ زیرا از آنجا که تصحیح برخی از آثار ادبی ما به دست استادان و بزرگان نام‌آشنا صورت پذیرفته‌است، پژوهشگران کنونی، گاه با اعتماد کلی به کار علمی آنان، و یا کم‌توجهی به ظرفیتهای بازبینی این تصحیحات، همان اشکال و ایرادها را در متن باقی گذاشته‌اند.

با نگاهی گذرا به آثار چاپ شده در ایران و تاجیکستان درباره رودکی و اشعار وی، کاملاً مشخص می‌شود که نقش زنده یاد سعید نفیسی در بازیابی اشعار رودکی از دیگر پژوهشگران پررنگتر است. نفیسی با انتشار مجلدات سه‌گانه از تحقیقات مفصل خود درباره رودکی - مجلدات اول و دوم در سالهای (۱۳۰۹، ۱۳۱۰) و بویژه جلد سوم آن با عنوان احوال و اشعار رودکی در سال (۱۳۱۹) - موجب شد تا برخی رودکی‌پژوهان از جمله براگینسکی و میرزایف به پیروی از وی، آثار خود را روانه بازار نشر کنند. نفیسی هم‌چنین با جمع‌آوری ابیات تازه‌ای دیگر از رودکی، تحریر دوباره‌ای از پژوهش مفصل خود را با نام محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی در سال (۱۳۴۱)، به چاپ رسانید که این اثر نیز منشأ بروز چاپهای دیگری از دیوان رودکی به سعی پژوهشگرانی چون شعار، امامی، هادی‌زاده، سردشتی، قادر رستم، احمدنژاد و ... شد (برای تفصیل بیشتر درباره دیوانهای چاپ شده در ایران و تاجیکستان بعد از چاپ نفیسی ر.ک: رودکی، ۱۳۸۸: ۱۶-۲۰). بنابراین با بررسی یکایک دیوانهای چاپی، می‌توان رد پای دو چاپ دیوان رودکی به تصحیح و گردآوری استاد نفیسی را مشاهده کرد.

نفیسی با مطالعه نسخه‌های خطی و منابع چاپی متعدد، توانست به مقدار ناچیز اما قابل توجهی از اشعار رودکی دست یابد. از آنجا که بعضاً برخی از این منابع در دسترس مصححان بعد از وی نبوده، آنان به تصحیح و گردآورده استاد اعتماد کرده و غالب ابیات یا برخی از آنها را عیناً از چاپ دوم یا اول نفیسی نقل کرده‌اند؛ اما با

گذشت بیش از نیم قرن از آخرین چاپ دیوان رودکی و بازنگری نظر نهایی نفیسی و با به دست آمدن منابع تازه و آسانتر شدن دستیابی پژوهشگران به نسخه‌های خطی و منابع مورد استفاده نفیسی، اکنون می‌توان گفت بررسی و نقد روش نفیسی در تصحیح و گردآوری اشعار رودکی با توجه به منابع تازه، دریافتهای علمی و وجود پاره‌ای اشتباهات در دیوانهای موجود، ضروری به نظر می‌رسد؛ بویژه اینکه در صورت عدم اصلاح برخی از این ایرادات، می‌توان دوباره شاهد انتقال اطلاعات غلط به دیوانهای چاپی آیندگان بود.

در این پژوهش پس از بررسی تمامی قطعات منسوب به رودکی دریافتیم که نفیسی پاره‌ای از قطعات را بدون هیچ پشتوانه، مثلاً مستندات یا مؤید این پیوستگی‌ها باشد به صورت یکپارچه و متصل به عنوان قطعه‌ای مستقل از رودکی نقل کرده است. از نظر ما، دو علت اساسی در بروز این اشتباه، مؤثر بوده است: نخست شیوه نگارشی است که مصحح محترم در چاپ دوم محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی پیش گرفت. وی در چاپ نخست، ابیات را با فاصله و همراه با توضیحات کافی آورده بود به گونه‌ای که خواننده متوجه عدم اتصال ابیات به یکدیگر می‌شد؛ اما این روش استناددهی در چاپ دوم رعایت نشد. مصحح با یکپارچه‌سازی ابیات و حذف تمامی حواشی مربوط به استناددهی آنها، موجب شد تا خوانندگان بعدی و پژوهشگران ناآشنا، ابیات پراکنده را قطعه‌ای مستقل از استاد سمرقند قلمداد کنند. سبب دیگر به شیوه تصحیح وی بازبسته بود: تشابه وزنی و همسانی قافیه، علت غایی در پیوستگی ابیات پراکنده تلقی شد؛ بدین ترتیب قطعاتی پدید آمد شامل ابیاتی که تنها هماهنگی در وزن و قافیه، آنها را به هم می‌پیوست؛ هرچند ربط منطقی و پیوستاری معنایی آنها در هاله‌ای از ابهام فرو رفته بود.

جدا از مسأله اتصال ابیات، انتساب پاره‌ای از ابیات نیز در دیوان رودکی به تصحیح نفیسی و بقیه مصححان، نیازمند بررسی دوباره است. گروهی از این ابیات با توجه به محتوا یا وزن و برخی مبانی سبک‌شناسی به سروده‌های رودکی نمی‌ماند. برخی دیگر نیز به دلیل فراوانی فرهنگهای شعری در طول سده‌های مختلف و جابه‌جایی نام شاعران هنگام کتابت و عواملی دیگر، نیازمند بررسی منبع‌شناختی است؛ به همین دلیل ما در این پژوهش با توجه به اهمیت اشعار بخش ابیات متصل (شامل قصاید، قطعات و

تغزلها) در پژوهشهای مربوط به دیوان رودکی و اشعار بازمانده از شاعران پیشگام به سراغ اشعاری در قالب قطعه رفته‌ایم که نفیسی آنها را در چاپ دوم به‌عنوان اشعار مستقل از رودکی با استناد به منابع متعدد نقل کرده است.

۲. نگاهی مختصر به قالب قطعه در ادب پارسی و دیوان رودکی

قالب قطعه به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پرکاربردترین قوالب شعر فارسی، همواره مورد توجه شاعران بوده و به استخدام مضمونهای گوناگونی متنوعی درآمده است.

در اصطلاح، قطعه نوعی شعر است که دارای ابیات متحدالوزن و متحدالقافیه باشد بدون آنکه مطلع آن مصرع باشد. شمس قیس تفاوت قطعه و قصیده را در تصریع مطلع قصیده و عدم آن در قطعه می‌شناسد و می‌نویسد: هر قصیده که مطلع آن مصرع نباشد، اگرچه دراز بود، آن را قطعه خوانند. قطعه دارای وزن مخصوصی نیست و در تمام وزنهای شعری حتی وزن رباعی سروده شده است؛ ابیات آن از دو به بالا است و ممکن است به شصت بیت هم برسد ولی قطعات خوب معمولاً بین دو و حداکثر پانزده، شانزده بیت است (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۶۱).

هرچند در میان قطعات بازمانده از شاعران پارسی‌زبان، بسیاری دارای موضوعاتی واحد شامل «مطالب اخلاقی، تعلیمی، مناظره، نامه‌نگاری، شکایت و تقاضا و از این قبیل» است (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۹۷).

از رودکی بجز ابیات باقیمانده از چند مثنوی منسوب به وی، ابیاتی در برخی قالبهای شعری نظیر قصیده، قطعه، رباعی، غزلواره و... به‌دست ما رسیده که بجز چند قصیده کامل، برخی قطعات متصل و شمار اندکی رباعی، بقیه ابیات به‌صورت پراکنده در فرهنگنامه‌های شعری، متون بلاغی، تذکره‌ها و کتابهای تاریخی و تعلیمی، توسط پژوهشگران رودکی‌شناس و عمدتاً نفیسی، گردآوری شده است.

اظهارنظر کردن درباره «قطعات» دیوان رودکی براساس تعیین این مهم، که این قسم اشعار در قالبی مستقل به‌نام قطعه سروده شده بوده، یا پاره‌ای از یک قصیده است، کار ساده‌ای نیست؛ زیرا غالب این اشعار اگرچه ظاهراً در قالبی مستقل به‌نام قطعه به‌دست ما رسیده است؛ یک موضوع واحد ندارد. احتمال قریب به یقین این است که این سروده‌ها بخشی از یک قصیده شد. هرچند برخی از اشعار موضوع واحدی دارد و ساختار هر قطعه به‌عنوان قالب شعری مستقل است، اما باز هم یک اشکال اساسی دیگر

وجود دارد و آن، احتمال تعلق این قطعات به شاعران بعد از رودکی است که قراینی دال بر آن از منابع مختلف حاصل می‌شود و انتساب آن را به رودکی با تردید جدی روبه‌رو می‌کند (به‌عنوان نمونه برای مشاهده برخی از این اشعار و قطعات که در دیوان رودکی به تصحیح نفیسی و دیگر مصححان آمده و حال اینکه متعلق به شاعری دیگر است، بنگرید به: رودکی، ۱۳۷۸: ۱۰۵-۱۳۱؛ شریفی صبی، ۱۳۹۴: ۲۳۹ و ۲۴۳)؛ با وجود این، کار این پژوهش بررسی اشعاری به‌هم پیوسته (دو یا چند بیت) است که در قالب قطعه است. در اینجا مراد صرفاً اشعار به‌هم پیوسته است؛ خواه شعر مورد بررسی به‌عنوان یک قالب شعری خاص باشد یا پاره‌ای بازمانده از یک قصیده.

۳. مسأله اصلی پژوهش و ضرورت آن

با نگاهی گذار به‌بخش ابیات متصل در دیوانهای اشعار رودکی سمرقندی، خوانندگان متوجه وجود تعداد قابل توجهی قطعه (عمدتاً اشعاری به‌هم پیوسته که بخشی از یک قصیده بوده است) در مقایسه با دیگر شاعران پیشگام می‌شوند. این قطعات (در صورتی که همه آنها بی‌هیچ تردیدی از رودکی باشد) صرف‌نظر از اهمیت ویژه شعر رودکی در ایران و تاجیکستان، می‌تواند منبع بسیار خوبی برای تحقیق در نخستین سروده‌های ایرانیان به زبان پارسی دری، و نیز برای بررسی ویژگیها و تحولات فکری و سبکی شعر پارسی، بسیار حائز اهمیت شد.

یکی از کارهایی که نفیسی در دیوان رودکی انجام داده، بازبایی قطعات رودکی از میان ابیات پراکنده است. وی با این احتمال که برخی ابیات به جای مانده هم‌وزن و هم‌قافیه از یک قصیده یا قطعه بوده، آنها را در چاپ نخست و بویژه چاپ دوم به‌دنبال هم نقل کرده است؛ با وجود این، سؤالاتی که در ذهن به‌وجود می‌آید چنین است: آیا توالی این ابیات پراکنده و بازسازی آنها به‌عنوان یک قطعه یا شعر مستقل از رودکی، روش درست یا قابل قبولی است؟ اگر این روش بازبایی اشعار رودکی اشتباه است، چگونه می‌توان به این اشتباه پی برد و در صورت عدم حذف آنها و برنگرداندن آنها به حالت اولیه خود، چه آسیبهایی متوجه پژوهشهای حوزه شعر رودکی خواهد کرد؟

به‌نظر می‌رسد بازبایی سروده‌های رودکی از این طریق، هنگامی می‌تواند روشی ارزنده و قابل توجه باشد که دو یا چند بیت با موضوع، وزن و قافیه یکسان در دو یا چند منبع جداگانه آمده باشد و بازسازی آنها از این طریق به کشف سروده‌ای مستقل از

رودکی بینجامد. در دیوان رودکی به تصحیح نفیسی، سه قطعه هست که می‌توان تا حدود زیادی گفت این ابیات به‌دنبال هم یا دست کم از یک قصیده بوده است؛ به‌عنوان مثال قطعه ذیل تا کنون در هیچ یک از منابع مستند اشعار رودکی به‌صورت متصل به‌هم دیده نشده و تنها ابیات آن در منابع لغت بیت نخست به شاهد واژه «زغن» و بیت دوم به شاهد واژه غن ضبط شده است:

جمله صید این جهانیم ای پسر ما چو صعوه مرگ برسان زغن
هر گلی پژمرده گردد زو نه دیر مرگ بفشارد همه در زیر غن
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۵؛ همان: ۱۳۱۹: ۱۰۲۳)

در این نمونه شاهد انسجام سه عنصر هویت‌ساز قالب قطعه هستیم: موضوع، وزن و قافیه. اگر- هریک از این سه در همه ابیات پراکنده مشترک نباشد، ساخت و بازیابی قطعه پشتوانه علمی و ادبی لازم راندارد؛ به همین دلیل، اگر به این نکته مهم توجه نشود، این عمل نه تنها موجب سازندگی نمی‌شود، بلکه با مقید کردن ابیات در پیکره‌ای غیرواقعی موجب می‌شود امکان مستقرشدن آنها در جایگاه درست خود سلب شود، که به مدد یافته‌های آیندگان نامقدور نیست، و نهایتاً به تباهی پژوهشهای آینده بینجامد؛ به‌عنوان نمونه، یکی از قطعاتی که نفیسی در چاپ دوم محیط زندگی... رودکی در بخش ابیات متصل بازیابی و نقل کرده، این است:

ای عاشق دل داده بدین جای سپنجی همچون شمنی شیفته بر صورت فرخار
امروز به اقبال تو، ای میر خراسان هم نعمت و هم روی نکو دارم و سیار
درواز و دریواز فرو گشت و برآمد بیمست که: یک بار فرود آید دیوار
دیوار کهن گشته پردازد بادیز یک روز همه پست شود، رنجش بگذار
آن خجش ز گردنش در آویخته گویی خیکيست پراز باد، درو ریخته از بار
آن کن که درین وقت همی کردی هر سال خز پوش و به کاشانه رو از صفه و فروار
یاد آری و دانی که تویی زیرک و نادان ور یاد نداری تو سگالش کن و یادآر
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۱-۵۰۲)

وی در چاپ نخست تنها ابیات سوم، پنجم و ششم این شعر را در بخش ابیات متصل به‌صورت یک قطعه (همان: ۱۳۱۹: ۹۹۹) و بیت دوم را با اختلاف «وسناد» به‌جای «وسیار» در بخش ابیات پراکنده نقل کرده است (همان: ۱۰۵۶). دیگر ابیات نیز تنها در

چاپ دوم به این قطعه اضافه شده است؛ با وجود این، همه این ابیات در فرهنگهای لغت از جمله لغت فرس، صحاح الفرس، فرهنگ حلیمی، مجمع الفرس، فرهنگ رشیدی و... به ترتیب ذیل واژه‌های «فرخار»، «وسناذ»، «دریواس»، «پادیر، پاذیر، بادیز»، «جخش، چخش»، «فروار» و «یا»، آمده و نفیسی به دلیل مشابهت وزن و قافیه این ابیات را به عنوان یک قطعه نقل کرده است؛ حال اینکه چند ایراد کلی به ساختار این شعر و نهایتاً انتساب آن به رودکی وارد است: اول اینکه ابیات این قطعه هیچ کدام با یکدیگر ارتباط معنایی ندارد به گونه‌ای که بتوان آنها را به یک سروده متعلق دانست. دوم اینکه همه فرهنگهای لغت «وسیار» را که تصحیح قیاسی نفیسی است به صورت «وسناذ»، ضبط کرده‌اند^۱ و در این صورت قافیه بیت با دیگر ابیات متفاوت خواهد بود. ایراد سوم نیز به انتساب بیت پنجم و ششم برمی‌گردد که اولی در اغلب فرهنگها منسوب به لبیبی^۲ (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۹۸۷: ۵۱؛ همان: ۱۳۱۹: ۲۰۹؛ مدبری، ۱۳۷۰: ۴۸۱؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۴۹؛ قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۶۵؛ وفایی، ۱۳۷۴: ۷۲؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۳۵۴؛ ادیبی، ۱۳۸۹: ۶۲؛ حلیمی، بی‌تا، برگ ۵۴) و دومی نیز در برخی منابع به رودکی (ر.ک: وفایی، ۱۳۷۴: ۱۵۰؛ تتوی، ۱۳۳۷: ۱۰۳۷؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۹۶۲)^۳ در لغت فرس چاپ اقبال به فرالاولی^۴ (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۲۳) و در دیگر منابع به فرخی منسوب است^۵ (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۸۸؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۱۱۲؛ قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۲۳؛ جاروتی، ۱۳۵۶: ۹۳).

هرچند بیت اخیر در منابع مختلف به چند شاعر نسبت داده شده از فرخی است؛ زیرا در دیوان وی بیت سی و هفتم قصیده‌ای با این مطلع است:

ای دل تو چه گویی که ز من یاد کند یار پرسد که چگونه ست کنون یار مرا کار

(فرخی سیستانی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

بنابر آنچه بیان شد، این ابیات نمی‌تواند به یک شعر متعلق باشد، بلکه در صورت صحت انتساب دیگر ابیات آن به رودکی، نهایتاً می‌تواند شواهدی جدا، برگرفته از چند سروده رودکی باشد که در فرهنگهای لغت به آنها استشهد شده است.

روشن است که اقتضای پژوهشگران به کار نفیسی و پژوهشها و تحلیلهای خود بر شعر رودکی و تاریخ شعر فارسی با در نظر گرفتن این قطعه به صورت یاد شده، چقدر آسیب‌پذیر و نادرست خواهد بود.

در این پژوهش، نگارندگان با مراجعه به این قبیل اشعار در کتاب محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، قطعاتی را بررسی و تبیین کرده‌اند که علاوه بر توالی ابیات در انتساب یک یا چند بیت آن به رودکی تردید جدی وجود دارد.

۴. پیشینه پژوهش

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تاکنون در ایران و تاجیکستان، تصحیح‌های زیادی از دیوان رودکی منتشر شده است. در ایران، نخست نفیسی و پس از وی دانش‌پژوه، شعار، امامی، کریمیان سردشتی، احمدنژاد، منصور، سپانلو و ... دیوان یا گزیده‌ای از اشعار رودکی را تصحیح و منتشر کرده‌اند هم‌چنین در تاجیکستان و شوروی نیز مصححانی نظیر براگینسکی، میرزایف، هادی‌زاده، قادر رستم و ... به تصحیح و بازایی اشعار منسوب به رودکی اقدام کرده‌اند که تصحیح قادر رستم آخرین نمونه تلاش محققان تاجیکستانی در زمینه تصحیح اشعار رودکی است.

در میان مصححان دیوانهای چاپی، گاهی برخی از مصححان نظیر امامی، هادی‌زاده و هم‌چنین قادر رستم و ... از منتقدان کار نفیسی و روش پیوسته‌سازی ابیات پراکنده بوده‌اند. امامی گاهی در حواشی دیوان به بی‌ارتباطی ابیات اشاره کرده و گاهی نیز آنها را جدا کرده است. هادی‌زاده و قادر رستم نیز با جداسازی و تفکیک این ابیات، گام درستی در بازایی اشعار رودکی برداشته‌اند. هادی‌زاده خود در مقدمه دیوان رودکی به این موضوع اشاره، و کار نفیسی را نقد کرده است (ر.ک: رودکی، ۱۳۸۷: بیست و چهار و بیست و هفت). درعین حال برخی از گردآورندگان شعر رودکی، نظیر سپانلو طرفدار این روش در گردآوری اشعار پراکنده رودکی هستند و خود نیز در گسترش این عمل نقشی ایفا کرده‌اند (ر.ک: سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۴). دراین پژوهش بجز چند قطعه، که مصححان به تفکیک ابیات آنها، و یا به بی‌ارتباطی آنها اشاره کرده‌اند، دیگر اشعار در اغلب دیوانهای چاپی به پیروی از نفیسی به‌صورت قطعه مستقل از رودکی نقل شده و به این دلیل پژوهش می‌تواند در برخی موارد، کار ناتمام آن پژوهشگران را تکمیل کند. هم‌چنین در این پژوهش چند جنبه مختلف شعر رودکی از جمله ماهیت قطعات دیوان وی، انتساب نادرست برخی ابیات، بررسی ضبط صحیح برخی ابیات و کیفیت منابع مستند اشعار رودکی واکاوی می‌شود. علاوه بر این، رویکرد اصلی پژوهش، نقد چاپهای موجود بویژه کتاب محیط زندگی، احوال و اشعار رودکی و زدودن برخی کاستیهای آن است

که برای هر یک از این موضوعات تاکنون آثار متعددی در ایران و تاجیکستان به رشته تحریر درآمده است.

۵. بحث و بررسی

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، اشعاری که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت، دارای دو ویژگی بارز است که آنها را از مرتبه قطعه‌ای متعلق به رودکی، ساقط می‌کند. هرچند در دیوانهای چاپی موجود، برخی از مصححان پاره‌ای از این ایرادات را، که منشأ آن دیوان رودکی مصحح نفیسی است، برطرف کرده‌اند، در مواردی، بنا به هر دلیلی، ایراد موجود باقی مانده است. در ادامه برخی از این سروده‌ها معرفی و بررسی خواهد شد.

۵-۱

کسی را چو من دوستان می چه باید که دل شاد دارد بهر دوستانی
نه جز غیب چیز است کان تو نداری نه جز غیب چیز است کان تو ندانی

(نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۳۴؛ همان: ۳۱۴۱: ۵۱۲)

نفیسی این قطعه را در هر دو چاپ محیط زندگی در بخش ابیات متصل به نام رودکی نقل کرده است. در صحت انتساب بیت دوم به رودکی با توجه به اینکه معزّی آن را در قصیده خود- که در مدح سلطان سنجر سروده- تضمین کرده است، هیچ شبهه‌ای نیست. مطلع قصیده معزّی بدین صورت است:

ایا شهر یاری که صاحب قرانی ز جدّ و پدر یادگار جهانی

(معزّی، ۱۳۱۸: ۶۹۷)

وی بیت دوم شعر مورد بحث را این گونه تضمین کرده است :

یکی بیت نغز است مر رودکی را که اندر جهان تو سزاوار آنی
«نه جز غیب چیز است کان تو نداری نه جز غیب چیز است کان تو ندانی»

(همان: ۶۹۸)

برخلاف بیت دوم، که مستقیماً به دلیل تضمین «معزّی» به دست ما رسیده، بیت نخست تاکنون در هیچ منبع معتبری به نام رودکی ضبط نشده است. نفیسی این بیت را با استناد به لغت فرس اسدی چاپ برلین و دو نسخه خطّی از فرهنگ مجمع‌الفرس (فرهنگ سروری نسخه مختصر و مجمع‌الفرس نسخه مکمل متعلق به پرفسور چایکین) با توجه به یکسانی وزن و قافیه به همراه بیت دوم به صورت یک

قطعه درآورده است؛ حال اینکه در لغت فرس چاپ برلین این بیت با اختلاف «دوستگانی چه باید» در مصراع اول و «دوستگان» در مصراع دوم، ذیل واژه «دوستگان» به معنی «معشوق» به نام فرخی ثبت شده است نه رودکی (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۹۷)؛ در دو چاپ دیگر لغت فرس نیز این بیت به نام فرخی است^۶ (ر.ک: همان: ۱۳۱۹: ۳۷۵؛ همان: ۱۳۳۶: ۱۴۳).

منبع دیگری که نفیسی بیت را بدان استناد داده، مجمع‌الفرس سروری است. در این فرهنگ نیز همانند لغت فرس بیت به نام «فرخی»، ضبط شده است (ر.ک: سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۲/۵۵۳)؛ بنابراین به نظر می‌رسد ایراد از دو نسخه خطی مجمع‌الفرس در دست نفیسی باشد که در آنها، بیت اشتباهاً به نام رودکی ضبط شده است. شایان ذکر است که در فرهنگهای دیگر، نظیر صحاح‌الفرس، فرهنگ حلیمی و فرهنگ شعوری^۷، بیت مورد بحث به نام فرخی ضبط شده است (ر.ک: نخجوانی، ۱۳۴۱: ۲۴۲؛ حلیمی، بی‌تا: برگ ۸۰؛ همان: ۹۲۹ (ه.ق): برگ ۱۰۵؛ شعوری، ۱۱۵۵: برگ ۴۰۱، ج ۱).

مهمترین دلیلی که انتساب بیت مورد بحث را به رودکی منتفی می‌کند، این است که این بیت در دیوان فرخی، سیزدهمین بیت از قصیده‌ای به مطلع زیر است:

دلم مهربان گشت بر مهربانی کشی دلکشی خوش لبی خوش زبانی
(فرخی سیستانی، ۱۳۸۰: ۳۸۲)

در دیوان فرخی بیت نخست شعر مورد بحث بدین صورت آمده است:

کسی را چو من دوستگانی چه باید که دلشاد باشد بهر دوستگانی
(همان: ۳۸۳)

با وجود این، نفیسی در چاپ نخست درباره انتساب بیت این گونه نوشته است: «در ۲۵ (لغت فرس اسدی چاپ برلین) به نام فرخی آمده است و در دیوان فرخی قصیده‌ای هست بدین مطلع:

دلم مهربان گشت بر مهربانی کشی دلکشی خوش لبی خوش دهانی
و بیت چهاردهم آن چنین است:
کجا چون منی دوستگانی چه باید که دل شاد باشد به هر دوستگانی
بدین گونه دشوار است معلوم کرد که بیت متن از رودکی است یا از فرخی» (نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۳۴، ح ۶).

در هر صورت با توجه به تعدد منابع در انتساب بیت مورد بحث به فرخی و ذکر آن در قصیده‌ای منتسب به وی و اقرار نفیسی مبنی بر وجود صورتی دیگر از بیت در دیوان این شاعر، پر واضح است که بیت مورد بحث از فرخی است، نه رودکی و اینکه بگوییم فرخی، بیت را از رودکی تضمین کرده، خطاست؛ زیرا اگر چنین بود، شاعر بنا به سنت شعری به این تضمین اشاره‌ای می‌کرد. هم چنانکه در پژوهشی با عنوان «استقبال از قطعه رودکی در سبکهای مختلف ادب فارسی» (فصلنامه تخصصی سبکشناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س هشتم، ش چهارم، زمستان ۱۳۹۴، شماره پیاپی ۳۰)، این اشتباه فاحش رخ داده است.

محمودی و تاکي، نگارندگان آن مقاله، بدون در نظر داشتن نکات یاد شده، شعر مورد بحث را کاملاً از رودکی دانسته و استقباله‌ها و نظیره‌گوییهای شاعران بعد از رودکی تا سده اخیر از آن را بررسی و نقل کرده‌اند. نویسندگان این پژوهش درباره نظیره‌گویی امیر معزی و استقبال آن از شعر رودکی نوشته‌اند:

«شاعر در بیت سیزدهم این قصیده بیت دوم قطعه رودکی را تضمین کرده است: کسی را چو من دوستان می چه باید که دلشاد دارد به هر دوستگانی» (محمودی، تاکي، ۱۳۹۴: ۱۵۱)

ضبط بیت مورد بحث در دیوان فرخی همان است که نقل شد و این ضبط که نویسندگان آورده‌اند، اصلاً در چاپ دبیر سیاقی نیست که از آن در پژوهش خود استفاده کرده‌اند. البته نگارندگان پژوهش را باید در بروز این خطا بی‌تقصیر دانست؛ زیرا ایراد اصلی، ناشی از دیوان رودکی مصحح نفیسی است و از آنجا به برخی دیگر از دیوانهای چاپی نیز سرایت کرده است.

در دیوانهای چاپی موجود، قادر رستم در نقل این شعر بدرستی عمل کرده است. وی تنها بیت دوم را جزء اشعار پراکنده رودکی نقل کرده (رک: رودکی، ۱۳۹۱ [الف]: ۶۹) و در تعلیقات، یادآور انتساب بیت نخست به فرخی شده است (رک: همان: ۹۳). در دیگر چاپها مصححان در نقل این قطعه خطا کرده‌اند. شعار و در پیروی از وی احمدنژاد، هر دو بیت را در بخش ابیات منسوب و ملحق به نام فرخی ثبت کرده‌اند (رک: رودکی، ۱۳۷۸: ۱۲۹؛ همان: ۱۳۹۱ [ب]: ۱۱۷)؛ حال اینکه بیت دوم با توجه به تضمین معزی، قطعاً از رودکی است. دیگر مصححان نیز قطعه را عیناً در بخش ابیات متصل از رودکی نقل

کرده‌اند (میرزایف، ۱۹۵۸: ۴۹۷؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۳۴؛ همان: ۱۳۸۶: ۵۷؛ همان: ۱۳۸۷: ۱۴۳؛ همان: ۱۳۸۸: ۱۴۹؛ همان: ۱۳۹۶: ۱۵۹؛ سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۷۶؛ جعفری جنیدی، ۱۳۹۴: ۲۳۴؛ دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

حاصل سخن درباره این شعر این است که اولاً این قطعه به گونه‌ای که نفیسی و دیگر مصححان به عنوان شعری مستقل از رودکی نقل کرده‌اند، نادرست است. ثانیاً از آنجا که بیت نخست قطعاً از فرخی است، باید از چاپهای موجود حذف و بیت دوم، که قطعاً از رودکی است در بخش ابیات پراکنده آورده شود.

۵-۲

جهان به کام خداوند باد و دیر زیاد
دست و راست کناد این مثل خدای ورا
خدای عرش جهان را چنین نهاد
.....
برو به هیچ حوادث زمانه دست مداد
اگر بیست یکی در هزار در بگشاد
که گاه مردم شادان و گه بود ناشاد
خدای چشم بد از ملک تو بگرداناد
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۹۵؛ همان: ۱۳۱۹: ۹۹۲-۹۹۳)

نفیسی در هر دو چاپ اول و دوم محیط زندگی... رودکی، این شعر را در بخش ابیات متصل از رودکی نقل کرده است. وی در چاپ نخست با استناد به دو منبع نزهت نامه علایی و لغت فرس (چاپ برلین و نسخه مورخ ۸۷۷) و در چاپ دوم با استناد به همین منابع و دو چاپ دیگر از لغت فرس (چاپ اقبال و چاپ دبیرسیاقی)، این شعر را به عنوان قطعه‌ای مستقل از رودکی نقل کرده است. بیت اول و دوم این شعر در نزهت نامه علایی به صورت پیوسته نقل شده و به این دلیل جای شبهه‌ای برای پیوسته بودن ابیات وجود ندارد؛ اما ایراد ساختار این قطعه، که آن را از حیز انتفاع ساقط می‌کند، بیت سوم و مصراع پایانی است.

بیت سوم بر خلاف آنچه که در برخی از نسخه‌های خطی لغت فرس آمده و آن را به نام رودکی ضبط کرده‌اند^۹ (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۸۵، ح ۶) در دیگر- یا اغلب- منابع لغت با اختلافاتی در مصراع دوم به- نام کسایمی آمده است. در جدول زیر می‌توان به تفکیک، چگونگی ضبط منابع را دید:

نام اثر	نام شاعر	ضبط مصراع دوم	ارجاع
لغت فرس چاپ برلین	بی‌نام	که گاه مردم ازو شاد و گاه ناشادند	(اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۳۳)
لغت فرس چاپ اقبال	رودکی	که گاه مردم شادان و گه بود ناشاد	(همان: ۱۳۱۹: ۱۱۸)
لغت فرس چاپ دبیرسیاقی	رودکی	همانند ضبط پیشین	(همان: ۱۳۳۶: ۴۴)

لغت فرس چاپ مجتبیایی و صادقی	کسایی	که گاه مردم ازو شادمان و گه ناشاد	(همان: ۱۳۶۵: ۸۵)
صحاح الفرس	کسایی	همانند ضبط پیشین	(نخجوانی، ۱۳۴۴: ۹۴)
تحفه الاحباب	کسایی ^{۱۱}	همانند ضبط پیشین	(حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۲۳۷، ح ۴)
فرهنگ وفایی	کسایی	که گاه مردم از او خرمند و گه ناشاد	(وفایی، ۱۳۷۴: ۲۰۰)
مجمع الفرس	کسایی	که گاه مردم ازو غمگند و گاهی شاد	(سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۱۴۰۰)
فرهنگ مدرسه سپهسالار	کسایی	همانند ضبط اقبال ^{۱۲}	(فرهنگ سپهسالار، ۱۳۸۰: ۲۳۱)
فرهنگ شعوری	کسایی	که گاه مردم ازو برغمند و گاهی شاد	(شعوری، ۱۱۵۵: برگ ۳۸، ج ۲)

چنانکه ملاحظه می‌شود، در این جدول اغلب منابع، بیت مورد بحث را به نام کسایی نقل کرده‌اند. در چند منبع نام رودکی برای بیت دیده می‌شود که بهتر است چگونگی ورود این انتساب به لغت فرس چاپهای اقبال و دبیرسیاقی و تحفه الاحباب توضیح داده شود.

از میان نسخه‌های خطی لغت فرس اسدی، نسخه «س» (مورخ ۸۷۷)، این بیت را به نام رودکی ضبط کرده است؛ اقبال با توجه به این نسخه، بیت را در متن مصحح خود، به نام رودکی آورده است.

علاوه بر نسخه «س»، دو نسخه هم خانواده با آن (نسخه دانشگاه تهران و ایاصوفیا) (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۱۴) نیز نام رودکی را برای شاعر بیت آورده‌اند^{۱۲} (ر.ک: همان: ۸۵، ح ۶)؛ حال اینکه در نسخه‌هایی دیگر، نظیر نسخه کتابخانه ملک و نسخه پنجاب، بیت به نام کسایی آمده است (ر.ک: همان). به این ترتیب مشخص است که انتساب بیت به نام رودکی، تنها در یک خانواده از نسخه‌های خطی لغت فرس، موجود است نه همه آنها.

از آنجا که در چاپ برلین نام شاعر برای بیت نیامده، دبیرسیاقی با توجه به چاپ اقبال نام شاعر را برگزیده است^{۱۳}. هم‌چنین در همه نسخه‌های مورد استفاده مصححان تحفه الاحباب نیز نام شاعر کسایی است و مصححان نیز با توجه به لغت فرس چاپ اقبال، بیت را به نام رودکی ضبط کرده‌اند (ر.ک: حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۲۳۷، ح ۴)؛ بنابراین با جستجو در منابع و یافتن ریشه اصلی انتساب بیت به رودکی در منابع یادشده، متوجه خواهیم شد که این بیت تنها در سه نسخه از لغت فرس به دست ما رسیده که هر سه نسخه در شمار لغات، شواهد و انتسابها همانند است و با وجود انتساب بیت به نام کسایی در نسخه‌های دیگر لغت فرس و منابع لغوی دیگر، تکیه بر انتساب این سه نسخه، خطایی آشکار در زمینه تصحیح و بازیابی اشعار شاعران خراسان است.

در میان اشعار کسایی، بیتی با همین آهنگ و ردیف، هست که ریاحی آن را به همراه بیت مورد بحث، جزء اشعار بازمانده از کسایی نقل کرده است:

خدای عرش جهان را چنین نهاد نهاد که گاه مردم ازو شادمان و گه ناشاد
مباش غمگین یک لفظ یادگیر لطیف شگفت و کوتاه، لیکن قوی و باینیاد

(ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۰۱)

اداره‌چی گیلانی نیز شعر را به‌همین صورت جزء اشعار به جای مانده از کسایی نقل کرده است (ر.ک: اداره‌چی گیلانی، ۱۳۷۰: ۲۹۹)؛ اما بیت دوم در لغت فرس و صحاح‌الفرس به شاهد واژه «بنیاد»، آمده است (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۱۶؛ نجوانی، ۱۳۴۱: ۸۷)؛ بنابراین نمی‌توان درباره قطعه بودن این ابیات نظر قطعی داد. شاید با جابه‌جایی ابیات به‌صورت زیر بتوان ارتباط منطقی بیشتری برای این دو بیت قائل بود:

مباش غمگین یک لفظ یادگیر لطیف شگفت و کوتاه، لیکن قوی و باینیاد
خدای عرش جهان را چنین نهاد نهاد که گاه مردم ازو شادمان و گه ناشاد

مصراع پایانی قطعه نیز در بیتی از مسعود سعد سلمان به‌دست ما رسیده (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۹۹۳، ح ۱) و نفیسی آن را با توجه به مشابهت وزنی و قافیه‌ای در پایان قطعه افزوده است و هیچ وجهی برای درست بودن توالی آن نمی‌توان قائل بود؛ زیرا مضمون مصراع کاملاً مدحی است در صورتی که دیگر ابیات شعر مورد بحث، مضمونی حکمی دارد.

بنابراین حاصل سخن درباره شعر یادشده این است که بجز دو بیت نخست، که در نزهت‌نامه علایی به‌دنبال هم نقل شده، بیت سوم و مصراع پایانی را نمی‌توان یک قطعه مستقل از رودکی دانست؛ به این دلیل که اولاً تعلق بیت سوم به رودکی با توجه به استندهای متعدد منابع لغت به‌نام کسایی با تردید جدی همراه است و در صورت نقل آن در دیوان رودکی، باید آن را در بخش ابیات منسوب و ملحق به رودکی آورد. دوم، مصراع آخر شعر نیز از نظر مضمونی با ابیات دیگر مشابهتی ندارد و نمی‌توان آن را در ادامه دو بیت نخست آورد. این مصراع نیز باید در بخش ابیات پراکنده و در کنار مصراعهای برجا مانده از رودکی نقل شود.

در چاپهای دیوان رودکی، قادر رستم در تعلیقات، انتساب بیت سوم به‌نام کسایی را یادآور شده است (رودکی، ۱۳۹۱ الف: ۱۱۰) و اغلب مصححان به این انتساب اشاره‌ای نکرده‌اند. هم‌چنین در دیوانهای چاپی موجود، همه مصححان، این قطعه را جزء اشعار به هم پیوسته رودکی نقل کرده‌اند (ر.ک: میرزایف، ۱۹۵۸: ۴۶۶؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۲۸؛ همان:

۱۳۷۸: ۱۷؛ همان: ۱۳۸۶: ۲۲؛ همان: ۱۳۸۷: ۵۹؛ همان: ۱۳۸۸: ۳۹؛ همان: ۱۳۹۱ [الف]: ۳۰؛ همان: ۱۳۹۱ [ب]: ۴۹؛ همان: ۱۳۹۶: ۱۰۵؛ سپانلو، ۱۳۹۰: ۵۴؛ جنیدی جعفری، ۱۳۹۴: ۱۸۴).

۵-۳

اگر چه عذر بسی بود^{۱۴} روزگار نبود
چنانکه بود بناچار خویشتن بخشود
خدای را بستودم که کردگار منست
زبانم از غزل و مدح بندگانش نسود
همه بتنبیل و بندست بازگشتن او
شرنگ نوش آمیغست و روی زراندد
بنفشهای طری خیل خیل بر سر کوه^{۱۵}
چو آتشی که بگوگرد بردوید کبود
بیار و هان^{۱۶} بده آن آفتاب کش بخوری
ز لب فرو شود و از رخان برآید زود^{۱۷}

(نفیسی، ۱۳۹۱: ۹۹۱؛ همان: ۱۳۴۱: ۴۹۸)

نفیسی این شعر را در چاپ اول و دوم محیط زندگی... رودکی با استناد به برخی منابع در بخش ابیات پراکنده از رودکی نقل کرده است. وی منابع مستند این ابیات را به این صورت معرفی کرده است: بیت نخست در لغت فرس و صحاح الفرس ذیل واژه «خشود» (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۱۱۷؛ نخجوانی، ۱۳۴۱: ۸۹)، بیت دوم در لغت فرس ذیل «ستوده» و عرفات العاشقین (ر.ک: اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۴۸۵؛ رودکی، ۱۳۸۶: ۲۷، ح ۸)، بیت سوم در لغت فرس چاپ برلین و فرهنگ جهانگیری ذیل واژه «شرنگ» (اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۷۵؛ همان: ۱۳۱۹: ۲۸۱؛ همان: ۱۳۳۶: ۱۱۰؛ جمال الدین اینجو، ۱۳۵۹: ۲/۱۷۶۷)، بیت چهارم در سفینه خوشگو و شعرالعجم و بیت پنجم در سفینه خوشگو، شعرالعجم، مقاله هرمان اته و تذکره ریاض العارفین.

درباره دو بیت پایانی این شعر، که نفیسی آن را به دلیل مشابهت های وزنی و قافیه ای با ابیات دیگر یکجا آورده است، تردید جدی در انتساب آنها به رودکی وجود دارد. هر دوی این ابیات در سفینه ها و تذکره های شعری با یک بیت فاصله، ضمن قطعه دیگری آمده است که شش بیت دارد و مطلع آن بدین صورت است:

به منظر آمد باید که وقت منظر بود نقاب لاله گشودند و لاله روی نمود

(منجیک ترمذی، ۱۳۹۱: ۵)

شایان ذکر است که در برخی منابع همه این شش بیت و در برخی دیگر هر دوی آنها با اختلافاتی به نام منجیک ترمذی آمده است (ر.ک: همان).

نفیسی خود در مقدمه محیط زندگی هر دو بیت را از منجیک ترمذی دانسته است:

دو بیت ۵ و ۷ از این قصیده را نیز در برخی نسخ برودکی نسبت داده اند با آنکه این قصیده از منجیک ترمذی است که به مدح امیر ابومحمد عباس نامی سروده است که معلوم نشد کیست و از این قصیده تنها چند بیت پراکنده مانده است (نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۶۵).

سپس وی مطلع قصیده را بدین صورت نقل کرده است:

بسا طیب که مایه نداشت درد فزود وزیر باید ملک هزار ساله چه سود؟

(همان)

نفیسی هم چنین بعد از این بیت، دو بیت دیگر را بجز شش بیتی که در دیوان منجیک نقل شده، آورده که در سرچشمه های موجود جدا از آن شعر ضبط شده است (ر.ک: منجیک ترمذی، ۱۳۹۱: ۵).

به این ترتیب علاوه بر تردید جدی در صحت انتساب دو بیت پایانی به نام رودکی، هر دوی این ابیات در سروده ای شش (یا نه) بیتی دیگری به نام منجیک ترمذی در سفینه های شعری آمده است؛ بنابراین کاملاً مشخص است که باید علاوه بر نقل ابیات قطعه مورد بحث در بخش ابیات متصل، دو بیت پایانی را جزء اشعار منسوب و ملحق به رودکی نقل کرد.

در چاپهای دیوان رودکی، امامی سه بیت نخست را به صورت یک قطعه (رودکی، ۱۳۸۶: ۲۷) و دو بیت دیگر را به صورت قطعه ای مستقل در ادامه شعر پیشین آورده است (ر.ک: همان: ۲۸). وی در حاشیه دو بیت پایانی نوشته است: «این دو بیت را استاد نفیسی به دلیل مشابَهت در وزن و قافیه از جای دیگر به سه بیت بالا الحاق کرده است» (همان: ۲۸، ح ۱)؛ اما درباره انتساب آن به منجیک سخنی به میان نیاورده است.

هادی زاده و در پیروی از وی، کریمیان سردشتی، دو بیت نخست و سه بیت پایانی را به صورت دو قطعه مستقل نقل کرده اند (ر.ک: رودکی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷؛ همان: ۱۳۸۸: ۴۹).

قادر رستم دو بیت از لغت فرس اسدی نسخه پنجاب، به این شعر افزوده و آن را به صورت قطعه ای هفت بیتی نقل کرده است (همان: ۱۳۹۱ [الف]: ۳۳-۳۴). این دو بیت، که هر دوی آنها به صورت متصل و به استشهدا و اژه های «پوذ» آمده بدین صورت است:

کدام نحس برآمد کم از تو غایب کرد کدام باد بلا بود کز توام بر بود
یکیم خلعت پوشید داغ فرقت تو که تار اوست پشیمانی و غم دل پود

(اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ذیل پوذ)

مصححان لغت فرس اسدی در حاشیه این قطعه نوشته‌اند: «این دو بیت در نسخ دیگر و در اشعار رودکی گردآورده سعید نفیسی نیامده و ظاهراً متعلق به قطعه‌ای است که در ص ۴۹۸ محیط زندگی... رودکی آمده است» (همان: ۱۳۶۵: ۸۷، ح ۶).

احتمالاً قادر رستم با توجه به این حاشیه این ابیات را جزء قطعه مورد بحث نقل کرده است. همچنین وی در تعلیقات به انتساب دو بیت پایانی به نام منجیک اشاره کرده است (ر.ک: همان: ۱۱۶).

علاوه بر قادر رستم، سپانلو نیز همین روش را برای شعر مورد بحث اتخاذ کرده و دو بیت نسخه پنجاب را به آن افزوده است؛ با این تفاوت که قادر رستم هر دو بیت را بعد از بیت دوم آورده، ولی سپانلو آن دو را به آخر قطعه افزوده است (ر.ک: سپانلو، ۱۳۹۰: ۷۴-۷۵).

دیگر مصححان، شعر مورد بحث را همانند نفیسی در دیوان رودکی نقل کرده‌اند (ر.ک: میرزایف، ۱۹۵۸: ۴۶۵؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۲۵؛ همان: ۱۳۷۸: ۲۱-۲۲؛ همان: ۱۳۹۱ [ب]: ۵۲؛ همان: ۱۳۹۶: ۱۱۴؛ جنیدی جعفری، ۱۳۹۴: ۲۱۹).

۵-۴

اگر گل آرد بار آن رخان او، نه شگفت هر آینه چو همه^{۱۸} می خورد گل آرد بار
به زلف کژ ولیکن به قد و قامت راست به تن درست ولیکن بچشمکمان بیمار
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۱)

نفیسی این سروده را در چاپ دوم محیط زندگی... رودکی با استناد به ترجمان‌البلاغه و المعجم، جزء اشعار پیوسته رودکی نقل کرده است؛ همچنین وی در چاپ نخست، تنها بیت نخست را با استناد به کتاب المعجم شمس قیس رازی در بخش ابیات پراکنده آورده است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۰۵۷).

در میان منابع مستند اشعار رودکی، بیت نخست تنها در کتاب المعجم و در مبحث «نقل» از نمونه‌های سرقات ادبی نقل شده است:

«و از نقل‌هائ نادر آن است کی رودکی گفته است:

اگر گل آرد بار آن رخان او نشگفت هرآینه چو همه می خورد گل آرد بار
و دقیقی آن را بر همان وزن و قافیه نقلی نیکو کرده است:

اگر سر آرد بار آن سنان او نشگفت هرآینه چو همه خون خورد سر آرد بار»
(رازی، ۱۳۸۸: ۴۶۸)

کتاب المعجم فی معانی اشعار العجم، یکی از منابع متقدم و مستند اشعار رودکی به‌شمار می‌آید؛ در این اثر گاه از شاعرانی که بیت یا شعری از آنها برای استشهاد به مطلبی در کتاب آمده، نامی ذکر نشده یا بعضاً در نسخه‌های این اثر با یکی دو نام همراه است؛ اما از آنجا که شخص مؤلف در اثر خود مستقیماً به نام رودکی برای سراینده بیت اشاره کرده، تردیدها درباره انتساب بیت به شاعری دیگر کمتر خواهد بود؛ اما در مورد بیت دوم داستان از قراری دیگر است: این بیت، که در منابع مختلف لغت در مبحث «تأکید به ضم»، آمده در برخی از کتابهای بلاغی با اختلافاتی به نام «دقیقی» نیز آمده است و پذیرش نام رودکی برای آن را با تردید روبه‌رو می‌کند. در کتابهای بلاغی بیت مورد بحث به این شرح ضبط شده است:

در نسخه خطی ترجمان‌البلاغه بیت به نام رودکی و به صورت زیر ضبط شده است:
به زلف کژ ولیکن به قد و بالا راست به تن درست ولیکن بچشم‌شان بیمار^{۱۹}
(رادویانی، ۱۳۸۶: ۸۲)

رُودِکِ کُویذ
بَلَدَکَ وَلِیْکَ بَقْدُ وَبِالَا رَاسِتْ بِنِ زَرِیْطِ وَلِیْکِنِ چِشْمَکَانِ بَیْمَارِ

(نسخه خطی ترجمان‌البلاغه، ص ۲۱۹)

در حدائق‌السحر مصرع نخست با اختلاف: «کژ و لکن بقَد و قامت» و مصرع دوم با اختلاف «ولکن» ضبط شده و نام شاعر دقیقی آمده است (وطواط، ۱۳۶۲: ۳۸). شمس قیس در المعجم مصراع نخست بیت را با اختلاف: «کژمژ لکن به قد و قامت» و مصرع دوم همانند ضبط پیشین، بدون نام شاعر آورده است (رازی، ۱۳۸۸: ۳۸۸). این بیت هم‌چنین در مدارج‌البلاغه اثر رضاقلی خان هدایت با اختلاف «گوژ» به جای «کژ»، آمده و مؤلف نام شاعر را «سراج‌الدین قمری» قید کرده است (هدایت، ۱۳۳۱: ۸۱).
از آنجا که در حدائق‌السحر بیت مورد بحث به نام دقیقی آمده، مصححان دیوان دقیقی، این بیت را جزء اشعار پراکنده دقیقی به گونه‌های زیر نقل کرده‌اند:
دبیرسیاقی در کتاب گنج بازیافته، این بیت را به همراه بیت دیگری که از المعجم نقل کردیم به صورت زیر آورده است:
به زلف کژ ولیکن به قد و قامت راست به تن درست ولیکن به چشم‌کان بیمار

اگر سر آرد بار آن سنان او نشگفت هرآینه چو همه خون خورد سر آرد بار
(دبیرسیاقی، ۱۳۳۴: ۱۶۸)

شایان ذکر است که بیت دوم شعر، در لغت فرس اسدی به شاهد «هرآینه»، به معنی «ناچار»، با ضبطی متفاوت در مصرع نخست به صورت زیر آمده است:

همه سر آرد بار آن سنان نیزه او هر آینه که همی خون خورد سر آرد بار
(اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ذیل هرآینه)

استاد محمدجواد شریعت، بیت مورد بحث را با اختلاف «به قدّ و بالا»، ضبط کرده است. وی علاوه بر این بیت، پنج بیت دیگر را نیز بعد از آن آورده که وجه اشتراک ابیات در وزن و قافیه است^{۲۰} (ر.ک: شریعت، ۱۳۷۳: ۹۹).

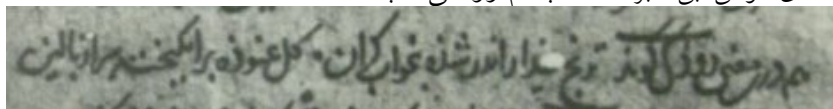
در چاپهای دیوان رودکی نیز میرزایف و به تبعیت از وی دانش‌پژوه با توجه به چاپ نخست نفیسی بیت نخست را در بخش ابیات پراکنده نقل کرده‌اند (میرزایف، ۱۹۵۸: ۵۲۹؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۶۸) و بیت دوم را جزء اشعار موجود در ترجمان‌البلاغه آورده‌اند^{۲۱} (میرزایف، ۱۹۵۸: ۵۹۷؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۷۶) و دیگر مصححان، این شعر را همانند چاپ دوم نفیسی جزء اشعار پیوسته رودکی آورده‌اند (ر.ک: همان: ۱۳۷۸: ۵۶؛ همان: ۱۳۸۶: ۳۳؛ همان: ۱۳۸۷: ۶۱؛ همان: ۱۳۸۸: ۱۰۶؛ همان: ۱۳۹۱ [الف]: ۳۷؛ همان: ۱۳۹۱ [ب]: ۵۴؛ همان: ۱۳۹۶: ۱۲۳؛ سپانلو، ۱۳۹۰: ۵۹؛ جنیدی جعفری، ۱۳۹۴: ۱۹۰).

حاصل سخن درباره شعر این است که نمی‌توان صرفاً به دلیل یکسانی وزن و قافیه، ابیات مورد بحث در دیوان رودکی را شعر به هم پیوسته و مستقل از این شاعر دانست؛ زیرا علاوه بر عدم اتحاد مضامین دو بیت، که مانعی جدی برای توالی ابیات است، انتساب بیت نخست به رودکی نیز با تردید جدی همراه است و می‌باید در این بیت در بخش ابیات منسوب و ملحق به رودکی نقل شود. بیت دوم نیز باید در بخش ابیات پراکنده رودکی نقل شود.

۵-۵

ترنج بیدار اندر شده به خواب گران گل غنوده برانگیخته سر از بالین
هر آنکه خاتم مدح تو کرد در انگشت سر از دریچه زرین برون کند چو نگین
(نفیسی، ۱۳۴۱: ۵۰۹)

در هیچ یک از منابع موجود تاکنون این شعر به صورت پیوسته دیده نشده است. مطابق بررسی نگارندگان، بیت نخست تنها در نسخه خطی لغت فرس اسدی کتابخانه ملک (اسدی طوسی، بی تا: برگ ۵۸)، به نام رودکی ضبط شده است.



(لغت فرس نسخه کتابخانه ملک، برگ ۵۸)

نفیسی بیت دوم این شعر را تنها با استناد به نظم گزیده اثر صادق تبریزی نقل کرده است؛ هم‌چنین وی در چاپ نخست محیط زندگی... رودکی صورتی دیگر از این بیت را در بخش ابیات پراکنده و با استناد به تذکره حسینی «تألیف میرحسین دوست سنبهلی چاپ لکهنو ۱۲۹۱- ص ۱۳۰»، بدین صورت آورده است:

هر آن که خاتم مدح تو کرد در انگشت سر از دریچه رنگین برون کند زرین

(نفیسی، ۱۳۱۹: ۱۱۱۲)

وی در حاشیه یادآور، اشتباه مصراع نخست شده (ر.ک: همانجا، ح ۱)؛ اما در تصحیح آن دستی نبرده و به این ترتیب، علاوه بر چاپ حاضر، صورت اخیر به پیروی از نفیسی وارد دیوان رودکی چاپهای براگینسکی و میرزایف و دانش‌پژوه^{۲۲} نیز شده است (ر.ک: میرزایف، ۱۹۵۸: ۵۳۸؛ رودکی، ۱۳۷۴: ۷۱).

شایان ذکر است که نفیسی در چاپ دوم محیط زندگی... رودکی، علاوه بر قطعه مورد بحث، بیت اخیر را نیز در بخش ابیات پراکنده دوباره نقل کرده است؛ در حالی که پذیرش صورت دوم به عنوان بیتی مستقل به هیچ وجه قابل قبول نیست.

نکته دیگر درباره بیت دوم این است که شاعر آن رضی‌الدین نیشابوری از سخنوران قرن ششم (م ۵۹۸ ه.ق) است. بیت مورد بحث در دیوان این شاعر، دوازدهمین بیت قصیده‌ای به مطلع زیر است:^{۲۳}

مرا مناقب ممدوح خود مجیرالدین مهمترست ز نعت بهار و فروردین

(نیشابوری، ۱۳۸۲: ۹۵)

با وجود این بین مصححان دیوانهای چاپی، تنها هادی‌زاده و در پیروی از او، کریمیان سردشتی، آگاهانه ابیات این قطعه را جدا و در بخش ابیات پراکنده نقل کرده‌اند (ر.ک: همان: ۱۳۸۷: ۲۰۸؛ همان: ۱۳۸۸: ۲۱۱).

چگونگی عملکرد دیگر مصححان در برخورد با شعر مورد بحث به شرح زیر است :

شعار و احمدنژاد هر دو بیت را به صورت قطعه در بخش ابیات منسوب و ملحق به رودکی آورده‌اند؛ اما درباره شاعر آن مطلبی ننوشته‌اند (رودکی، ۱۳۷۸: ۱۲۳؛ همان: ۱۳۹۱ [ب: ۱۱۳]؛ هم‌چنین هر دو مصحح بیت سوم (صورت دیگر بیت دوم که بدان اشاره شد) را در بخش ابیات پراکنده نقل کرده‌اند (همان: ۱۳۷۸: ۹۲؛ همان: ۱۳۹۱ [ب: ۹۶]؛ ولی هر دو نیز یادآور این نکته شده‌اند که: «گویا این بیت از ملحقات است» (ر.ک: همان: ۱۳۷۸: ۹۲، ح ۲۳۱). دیگر مصححان نظیر امامی، قادر رستم، جنیدی و منصور، نیز همانند نفیسی عمل کرده‌اند (همان: ۱۳۸۶: ۵۱؛ همان: ۱۳۹۱ [الف: ۴۶]؛ همان: ۱۳۹۶: ۱۴۹؛ جنیدی جعفری، ۱۳۹۴: ۲۳۱)؛ هم‌چنین مصححان دو چاپ اخیر نیز بیت سوم را در بخش ابیات پراکنده نقل کرده‌اند (ر.ک: همان: ۱۳۹۴: ۲۶۳؛ رودکی، ۱۳۹۶: ۲۰۶).

شایان ذکر است که سپانلو علاوه بر اینکه شعر مورد بحث را همانند نفیسی به صورت یک قطعه مستقل نقل کرده، دو بیت دیگر را نیز مابین این دو بیت آورده و شعر را به صورت قطعه‌ای چهار بیتی درآورده که این ویرایش نیز کاملاً نادرست است (ر.ک: سپانلو، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

حاصل سخن درباره شعر مورد بحث با توجه به این توضیحات این است که اولاً نقل این شعر به عنوان یک قطعه مستقل در دیوان اشعار رودکی کاملاً نادرست است و در این باره هیچ شکی نیست. ثانیاً از آنجا که بیت دوم در دیوان رضی‌الدین نیشابوری آمده است، می‌باید هم این بیت و هم صورت دیگر آن از بخش ابیات پراکنده از شمار اشعار رودکی و چاپهای موجود حذف شود.

۶. نتیجه‌گیری

رودکی سمرقندی از جمله سرایندگان پیشگام حوزه ادبی خراسان است که امروزه تحقیق و پژوهش در اشعار اندک به جای مانده از وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بیشتر پژوهشها درباره شعر رودکی در سده اخیر بوده و سهم عمده آن متعلق به نفیسی است.

هرچند شمار قابل توجهی از مصححان و محققان برجسته شعر فارسی درباره شعر رودکی تحقیقات پرفایده‌ای انجام داده اند، پس از گذشت چندین سال و چاپهای متعدد

از سروده‌های این شاعر، ایراداتی در تصحیح، بازیابی و روش ویرایش این مصححان دیده می‌شود که ضروری است برای جلوگیری از سرایت این ایرادات به پژوهشهای آینده، چاپهای موجود و یا آینده دیوان رودکی از اغلاط تأثیرگذار پیراسته شود. در این پژوهش باتوجه به این مهم، شش قطعه از اشعار به جا مانده از رودکی در دیوانهای چاپی بویژه دو چاپ اول و دوم محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی اثر نفیسی از نظر ساختار و روش بازیابی، بررسی و اصلاح شد که شرح این اصلاحات بدین صورت است:

الف. اسلوب نفیسی در بازیابی برخی قطعات رودکی، فارغ از مبانی علمی و پژوهشی، صرفاً به هماهنگی وزن و قافیه معطوف بوده است. از شش قطعه‌ای که نگارندگان در این پژوهش بررسی کردند، هیچ‌یک نمی‌تواند قطعه‌ای مستقل از رودکی باشد؛ زیرا این ابیات عمدتاً از منابع مختلف (بویژه منابع لغت) به صورت پراکنده جمع‌آوری شده و منحصر به دلیل تشابه وزن و قافیه به عنوان یک قطعه مستقل معرفی شده است.

ب. همه این قطعات شامل یک یا دو بیت منسوب به شاعران دیگر نظیر فرخی، کسایی، دقیقی، منجیک ترمذی و رضی‌الدین نیشابوری است که در یک یا دو منبع درجه دو و سه، اشتباهاً به نام رودکی ضبط شده است. در پایان، بیان این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که مصححان و پژوهشگران، پیش از هرچیز می‌باید منابع مستند اشعار رودکی را بررسی، و نقاط ضعف و قوت هریک را در انتسابهای درست و نادرست و ضبطهای اصیل و فاسد مشخص کنند تا در چاپهای آینده دیوان رودکی از ورود ابیات دیگر شاعران به دیوان رودکی و احتساب آنها در شمار سروده‌های او به دلیل انتسابهای سست جلوگیری شود.

پی‌نوشت

۱. این واژه در فرهنگهای لغت با چند ضبط متفاوت از جمله «وستاد، وشناد، وسفاد، وسنا و سناد»، آمده است؛ اما غالب مصححان فرهنگهای لغت ضبط «وسناد» را برای این واژه پذیرفته‌اند (برای مطالعه بیشتر درباره این واژه رک: اسدی طوسی، ۱۸۹۷: ۳۴؛ همان: ۱۳۱۹: ۱۰۶؛ همان: ۱۳۳۶: ۴۶؛ همان: ۱۳۶۵: ۷۹؛ نجوانی، ۱۳۴۱: ۹۵؛ صادقی، ۱۳۷۹: ۱۳؛ همان: ۱۳۸۵: ۴۲-۴۴؛ وفایی، ۱۳۷۴: ۲۱۱؛ جاروتی، ۱۳۵۶: ۷۲، ح؛ تبریزی، ۱۳۴۲: ۲۲۸۲، ج، ح؛ تتوی، ۱۳۳۷: ۱۴۶۱؛ سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۱۴۸۱؛ حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۲۴۳؛ فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ۲۴۳؛ بدرالدین ابراهیم،

- ۱۳۸۱: ۲۶۲؛ شعوری، ۱۱۵۵: ج ۲، برگ ۴۱۳؛ هدایت، ۱۲۸۸: ۷۳۶ و نیز ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه‌های وستاد، وستاد، وشتاد، وسفاد، وسنا و سناد).
۲. ظاهراً نفیسی این بیت را تنها با توجه به لغت فرس نسخه خطی مورخ (۸۷۷ه.ق) از رودکی دانسته است؛ حال اینکه در دیگر نسخه‌ها بیت به نام «لبی» است.
۳. در فرهنگ آندراج نیز این بیت به نام رودکی آمده است (ر.ک: قواس غزنوی، ۱۳۵۳: ۱۲۲، ح ۲۱).
۴. به نظر می‌رسد اقبال در ضبط نام شاعر برای این بیت دچار خطا شده باشد؛ زیرا مطابق بررسی نگارندگان در نسخه‌های خطی لغت فرس، هیچ‌کدام بیت مورد بحث را به نام «فرالوی» نیاورده و اغلب به نام «فرخی» یا «جرخی» که تصحیف نام فرخی است آمده است، حتی در نسخه اساس اقبال در تصحیح لغت فرس (نسخه «ع» که رونوشتی از نسخه کهن به تاریخ ۷۲۱ه.ق است) و لغت فرس نسخه خطی سفینه تبریز که به آن بسیار شبیه است، بیت به نام «فرخی»، ضبط شده است (ر.ک: اسدی طوسی، ۷۲۱: برگ ۳۰۹؛ همان: ۱۳۱۲: ۴۰؛ همان: ۱۳۱۴، برگ ۲۵؛ همان: بی تا [الف]: برگ ۳۰؛ همان: بی تا [ب]: برگ ۱۸).
۵. در فرهنگ حلیمی به جای این بیت، بیتی دیگر از فرخی به استشهد واژه فروار آمده است (ر.ک: حلیمی، بی تا، برگ ۱۲۹). در فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، این بیت با اختلافاتی در ضبط، بدون نام شاعر آمده است (در فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار، ۱۳۸۰: ۱۷۳).
۶. واژه «دوستگان» و شاهد آن در لغت فرس چاپ مجتبیایی و صادقی نیست.
۷. در همه این منابع، مصراع نخست با اختلاف: «دوستگانی چه باید» ضبط شده است. در یک نسخه فرهنگ حلیمی مصراع دوم با اختلاف: «دلشاد گردد بر دوستگانی» و در فرهنگ شعوری و نسخه دیگری از فرهنگ حلیمی، مصراع دوم با اختلاف: «دلشاد گردد بهر دوستگانی»، ضبط شده است.
۸. امامی در حاشیه نوشته است: «استاد نفیسی این سروده را با استناد به لغت فرس، فرهنگ سروری و مجمع‌الفرس از رودکی دانسته؛ در حالی که صحاح‌الفرس آن را از فرخی می‌داند؛ ولی این سروده به سبک رودکی نزدیکتر است» (همان: ح ۱).
۹. سه نسخه دانشگاه تهران، ایاصوفیا و نسخه متعلق به سعید نفیسی، بیت را به نام «رودکی» نقل کرده‌اند و در دو نسخه پنجاب و کتابخانه ملک به نام «کسایی» است.
۱۰. در نسخه‌های مورد استفاده مصححان نام شاعر «کسایی» است ولی مصححان در متن به نام رودکی را برای شاهد آورده‌اند (ر.ک: حافظ اوبهی، ۱۳۶۵: ۲۳۷، ح ۴).
۱۱. در این اثر، مصراع نخست با اختلاف «عرض جهان»، ضبط شده است.
۱۲. درباره نسخه‌های خطی لغت فرس و نسخه‌های هم خانواده با هم ر.ک: (اسدی طوسی، ۱۳۶۵: ۴-۱۵).
۱۳. شایان ذکر است که این چاپ از لغت فرس بر اساس نسخه خطی کتابخانه واتیکان یعنی نسخه اساس پاول هرن در چاپ برلین است و هرجا دبیرسیاقی به ۳۷۰ خود کاستی در چاپ برلین دیده از چاپ اقبال یا برخی تقریرات و تصحیحات دهخدا برای تصحیح متن سود جسته است.

۱۴. در لغت فرس چاپ اقبال، نسخه خطی لغت فرس کتابخانه ایاصوفیا و صحاح الفرس: «بود و روزگار نبود».
 ۱۵. در دیوان منجیک ترمذی و همه منابع مورد استفاده مصحح آن، مصرع بدین صورت ضبط شده است: «بنفشه طبری خیل خیل سر بر کرد» (منجیک ترمذی، ۱۳۹۱: ۵). هم‌چنین بجز نفیسی در دیگر چاپهای دیوان رودکی «بر سر کوه» به صورت «سر بر کرد»، ضبط شده است.
 ۱۶. در دیوان منجیک ترمذی به صورت «بیار ماها» ضبط شده است.
 ۱۷. این مصرع در دیوان منجیک ترمذی بدین صورت ضبط شده است: «فرو شود به دو لب وز دو رخ برآید زود».
 ۱۸. در سه چاپ از دیوان رودکی به تصحیح امامی، هادی‌زاده و سردشتی، این واژه به صورت: «همی» ضبط شده است.
 ۱۹. در چاپ آتش «چشمگان» ضبط شده است (رادویانی، ۱۹۴۹: ۸۲). «چشم» لهجه‌ای از واژه «چشم» است. درباره ترجیح این ضبط (ر.ک: همان؛ ۱۳۸۶: ۴۰۵؛ نائل خانلری، ۱۳۶۵: ۸۵؛ تاریخ سیستان، ۱۳۵۲: ۳۱۹، ح ۵).
 ۲۰. بیت دوم شعری که از گنج بازیافته نقل کردیم، بیت چهارم این شعر است.
 ۲۱. هر دو مصحح مصراع نخست بیت دوم را با اختلاف «به‌زلف کز ولیکن به قد و بالا راست»، ضبط کرده‌اند.
 ۲۲. دانش‌پژوه، صورت درست تر بیت را زیر بیت نوشته است.
 ۲۳. در دیوان چاپی مصراع دوم با اختلاف: «رخ» به جای «سر»، ضبط شده است؛ هم‌چنین در المعجم نیز این بیت آمده و در آنجا این واژه به صورت «سر» ضبط شده است (رازی، ۱۳۸۸: ۴۶۷).
- منابع**
- اداره‌چی گیلانی، احمد؛ **شاعران هم‌عصر رودکی**؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۷۰.
 - ادیبی؛ **عجائب‌اللغه (فرهنگ فارسی به فارسی)**؛ به تصحیح محمود مدبری، کرمان: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ۱۳۸۹.
 - اسدی طوسی، ابومنصور علی بن احمد؛ **کتاب لغت فرس**؛ به سعی و اهتمام پاول هرن، برلین (شهر: گتنگن): مطبع دیتریخ، ۱۸۹۷.
 - _____؛ **نسخه خطی لغت فرس نخجوانی با عنوان «مشکلات در پارسی دری» به خط عبرت نائینی**؛ کتابت شده از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۶۶ و کتابت حسام‌الدین حافظ ملقب به نظام تعریفا، کتابخانه مجلس، ش ۵۵۶۹، ۱۳۱۲.

- _____؛ **فرهنگ اسدی طوسی**؛ کتابت اقل السادات عبدالوهاب حسینی، کتابت از روی نسخه‌ای به تاریخ ۷۲۱، کتابخانه مجلس، شماره بازیابی ۱۵۶۱۱، ۱۳۱۴.
- _____؛ **کتاب لغت فرس**؛ تصحیح عباس اقبال، تهران: مجلس، ۱۳۱۹.
- _____؛ **لغت فرس**؛ به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۳۶.
- _____؛ **لغت فرس «لغت دری»**؛ تصحیح فتح الله مجتبیایی و علی اشرف صادقی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۵.
- _____؛ **لغت فرس اسدی طوسی (بخشی از سفینه تبریز)**؛ کتابت ابوالمجد تبریزی، کتابخانه مجلس، ش ۱۴۵۹۰، ۷۲۱ ه.ق.
- _____؛ **فرهنگ حضرت صدرالافضل ابومنصور علی بن احمد الاسدی الطوسی**؛ (بی‌کا)، نسخه خطی متعلق به جلال‌الدین همایی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۲۰۳۸۸، شماره کتابشناسی ملی ۲۶۸۸۸۰۰، (بی‌تا[الف]).
- _____؛ **لغت فرس**؛ نسخه خطی کتابخانه ملک، شماره ۵۸۳۹، (بی‌تا[ب]).
- _____؛ **لغة الفرس (کتاب اللغة بالفارسیه)**؛ نسخه خطی کتابخانه ایاصوفیه، شماره ۴۷۴۳، (بی‌تا[ج]).
- بدرالدین ابراهیم؛ **فرهنگ پنج بخشی (فرهنگنامه زفان گویا و جهان پویا)**؛ تصحیح و تحشیه حبیب‌الله طالبی، تهران: پازینه، ۱۳۸۱.
- بقایف، محمودفا؛ **«رودکی و قطعه سرایی»**؛ یک بیت پرنیان (مجموعه مقالات پژوهشگران تاجیک پیرامون احوال و آثار رودکی)، تهران: مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۶.
- **تاریخ سیستان**؛ به تصحیح ملک‌الشعرا بهار؛ چ دوم، طهران: مؤسسه خاور، ۱۳۵۲.
- تبریزی، محمد حسین بن خلف؛ **برهان قاطع**؛ به اهتمام محمد معین، ج ۴، چ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۲.
- تبریزی، محمدصادق؛ (بی‌تا)، **تذکره ناظم**؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۱۱۱۵.
- تتوی، عبدالرشید بن عبدالغفور؛ **فرهنگ رشیدی**؛ به کوشش محمد عباسی، تهران: انتشارات کتابخانه بارانی، ۱۳۳۷.
- جاروتی، ابوالعلاء عبدالمؤمن؛ **فرهنگ مجموعه الفرس**؛ به تصحیح دکتر عزیزالله جوینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
- جمال‌الدین انجو، حسین بن حسن؛ **فرهنگ جهانگیری**؛ به کوشش رحیم عقیفی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۹.
- جنیدی جعفری، محمود؛ **رودکی جنگ برگرفت و نواخت**؛ تهران: درنویسا، ۱۳۹۴.

- حافظ اوبه‌بی، سلطان علی هروی؛ *تحفه الاحباب*؛ به کوشش فریدون تقی‌زاده طوسی، نصرت‌الزمان ریاضی هروی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- _____؛ *لغتنامه تحفه الاحباب*؛ با مقدمه، تصحیح و تحشیه معاون سرمحقق حسین فرمند، کابل: آکادمی علوم ج.ا، ۱۳۶۷.
- حلیمی، لطف‌الله؛ *شرح بحر الغرائب*؛ نسخه خطی کتابخانه ملی، (بی‌کا)، شماره ثبت ۵-۱۸۱۱۸، ۹۲۹-۹۳۰.
- _____؛ (بی‌تا)، *شرح بحر الغرائب*؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس، (بی‌کا)، شماره بازیابی ۸۶۱.
- دبیرسیاقی، محمد؛ *گنج بازیافته*؛ تهران: سازمان انتشاراتی اشرفی، ۱۳۳۴.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ *لغت نامه دهخدا*؛ چ دوم از دوره جدید، تهران: مؤسسه لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۷.
- دهقانی، محمد؛ *تاریخ و ادبیات ایران ۲ (رودکی پدر شعر فارسی)*؛ تهران: نشر نی، ۱۳۹۴.
- رادویانی، محمدبن عمر؛ *ترجمان البلاغه*؛ تصحیح احمد آتش، استانبول: چاپ‌خانه ابراهیم خروس، ۱۹۴۹.
- _____؛ *ترجمان البلاغه تصنیف محمد بن عمر رادویانی و به انضمام فرهنگ بسامدی ترجمان البلاغه*؛ به اهتمام محمدجواد شریعت، اصفهان: دژنیشیت، ۱۳۸۶.
- رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس؛ *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*؛ به تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، و تصحیح مجدد مدرس رضوی، و تصحیح مجدد سیروس شمیسا، تهران: علم، ۱۳۸۸.
- رستگار فسایی، منصور؛ *انواع شعر فارسی*؛ چ دوم، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۸۰.
- رودکی، جعفر بن محمد؛ *دیوان رودکی*؛ شرح و توضیح منوچهر دانش‌پژوه، تهران: توس، ۱۳۷۴.
- _____؛ *دیوان شعر رودکی (با شرح و توضیح)*؛ پژوهش تصحیح و شرح جعفر شعار، تهران: قطره، ۱۳۷۸.
- _____؛ *دیوان اشعار رودکی*؛ تصحیح ویرایش و توضیح نصرالله امامی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۶.
- _____؛ *دیوان اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی*؛ متن علمی انتقادی با کوشش و اهتمام رسول هادی‌زاده، دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی-تاجیکی، ۱۳۸۷.

- _____؛ *دیوان اشعار رودکی*؛ تصحیح و مقابله نادر کریمیان سردشتی، تهران: بنیاد فرهنگی هنری رودکی، ۱۳۸۸.
- _____؛ *دیوان ابوعبدالله جعفر ابن محمد ابن حکیم ابن عبدالرحمان ابن آدم رودکی سمرقندی*؛ تهیه، تصحیح، پیشگفتار و حواشی قادر رستم، زیر نظر صفر عبدالله، برگردان شاه منصور شاه میرزا، تهران: مؤسسه فرهنگی اکو، ۱۳۹۱ الف.
- _____؛ *دیوان رودکی (با توضیح و نقد و تحلیل اشعار)*؛ کامل احمدنژاد، تهران: کتاب آمه، ۱۳۹۱ ب.
- _____؛ *دیوان رودکی (۱۰۹۸ بیت به دست آمده تا امروز و شرح احوال و آثار او)*؛ تصحیح جهانگیر منصور، چ سوم، تهران: دوستان، ۱۳۹۶.
- ریاحی، محمد امین؛ *کسایی مروزی: زندگی، اندیشه و شعراو*؛ چ دوازدهم، تهران: علمی، ۱۳۸۶.
- سپانلو، محمد علی؛ *بهترین رودکی، همراه با اشعار نویافته*؛ تهران: چشمه، ۱۳۹۰.
- سروری کاشانی، محمد قاسم بن محمد؛ *فرهنگ مجمع الفرس*؛ تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات کتابفروشی علمی، ۱۳۳۸.
- شعوری، حسین بن عبدالله؛ *فرهنگ شعوری (لسان العجم)*؛ چ سنگی، قسطنطنیه: دارالمطبعة معموره، ۱۱۵۵.
- شریعت، محمدجواد؛ *دیوان ابومنصور محمد بن احمد دقیقی طوسی بانضمام فرهنگ بسامدی آن*؛ چ دوم، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳.
- شمیسا، سیروس؛ *انواع ادبی (ویرایش چهارم)*؛ چ سوم، تهران: نشر میترا، ۱۳۸۷.
- صادقی، علی اشرف؛ *خلاصه لغت فرس اسدی طوسی*؛ ضمیمه شماره ۹ نامه فرهنگستان، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۹.
- _____؛ *«چند فهلوی»، زبان شناسی*؛ ش ۴۱ و ۴۲، ص ۳۳-۵۶، ۱۳۸۵.
- طاهر جان اف، عبدالرحمان؛ *رودکی روزگار و آثار (تاریخ تحقیق)*؛ ترجمه دکتر میرزا ملا احمد، چ دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- فرخی سیستانی، علی بن جولوغ؛ *دیوان حکیم فرخی سیستانی*؛ به کوشش محمد دبیرسیاقی، چ ششم، تهران: زوار، ۱۳۸۰.
- *فرهنگ فارسی مدرسه سپهسالار (منسوب به قطران)*؛ تصحیح دکتر علی اشرف صادقی، تهران: سخن، ۱۳۸۰.

- قواس غزنوی، فخرالدین مبارکشاه؛ فرهنگ قواس، به تصحیح نذیر احمد؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- محمودی، مریم، تاکی، مهناز؛ «استقبال از قطعه رودکی در سبکهای مختلف ادب فارسی»؛ سبک‌شناسی نظم و نثر (بهار ادب)، س هشتم، ش چهارم، ش پیاپی ۳۰، ص ۱۴۷-۱۶۰، ۱۳۹۴.
- مدبری، محمود؛ شرح احوال شاعران بی‌دیوان در قرن های ۳، ۴، ۵ هجری قمری؛ تهران: پانوس، ۱۳۷۰.
- معزی، محمد بن عبدالملک نیشابوری؛ دیوان امیرالشعراء محمد بن عبدالملک نیشابوری متخلص به معزی؛ بسعی و اهتمام عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۱۸.
- ملا احمداف، میرزا؛ پیرامون رودکی و رودکی‌شناسان؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۹۳.
- منجیک ترمذی، علی بن محمد؛ دیوان منجیک ترمذی؛ به کوشش احسان شواربی مقدم، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۹۱.
- میرزایف، عبدالغنی؛ ابوعبدالله رودکی و آثار منظوم رودکی (تحت نظری. براگینسکی)؛ استالین‌آباد: نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۵۸.
- ناتل خانلری، پرویز؛ تاریخ زبان فارسی؛ ج ۲، تهران: نشر نو، ۱۳۶۵.
- نخجوانی، هندوشاه؛ صحاح‌الفرس؛ به اهتمام عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱.
- نفیسی، سعید؛ احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی؛ ج ۳، تهران: شرکت کتابفروشی ادب، ۱۳۱۹.
- _____؛ محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی؛ چ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه ابن‌سینا، ۱۳۴۱.
- نیشابوری، رضی‌الدین ابوجعفر محمد؛ دیوان رضی‌الدین نیشابوری؛ تصحیح و توضیح ابوالفضل وزیرنژاد، مشهد: انتشارات محقق، ۱۳۸۲.
- وطواط، رشیدالدین محمد؛ حقایق السحر فی دقایق الشعر؛ به تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابخانه طهوری و کتابخانه سنائی، ۱۳۶۲.
- وفایی، حسین؛ فرهنگ فارسی (معروف به فرهنگ وفایی)؛ براساس نسخه‌های خطی موجود در چین به تصحیح تین هوی جو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

-
- هدایت، رضاقلی‌خان بن محمد‌هادی؛ *فرهنگ انجمن‌آرای ناصری*؛ به اهتمام حاج سیداسمعیل کتابچی و اخوان فرزندان مرحوم حاج سید احمد کتابچی، اسلامیه، چاپ سنگی، طهران: کتابفروشی، ۱۲۸۸.
- _____؛ *مدارج‌البلاغه*؛ شیراز: معرفت، ۱۳۳۱.